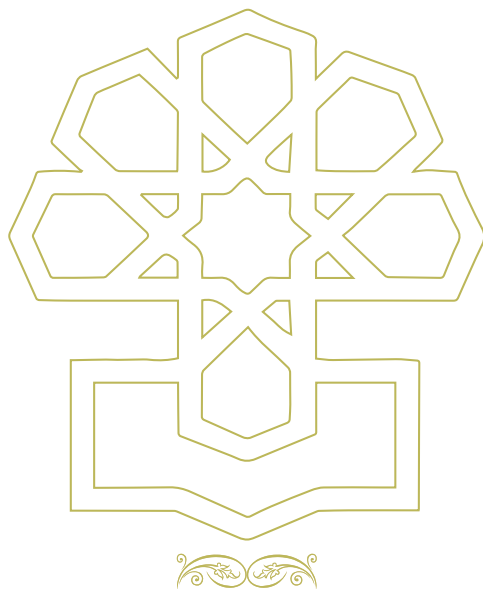




اظهار نظر کارشناسی در خصوص افزایش سن ورود به دانشگاه فرهنگیان

محمدصادق عبداللہی

10.22034/report.mrc.2025.1404.33.6.20937

چکیده

با وجود آنکه سقف سنی ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم در سال‌های گذشته از ۲۲ به ۲۴ سال افزایش یافته بود؛ بار دیگر با درخواست وزارت آموزش و پرورش از سوی کمیسیون معین شورای عالی انقلاب فرهنگی به ۳۰ سال افزایش یافت. در گزارش حاضر، ضمن بررسی دلایل وزارت آموزش و پرورش به بررسی تبعات این تغییر و تأثیر آن بر نظام تربیت معلم پرداخته و نشان داده شده است که این تصمیم حداقل بنابر ۸ دلیل کارشناسی شده نیست و خلاف روح حاکم بر دانشگاه‌های تربیت معلم است. دلایل مذکور عبارتند از: ۱. یکسان‌انگاری فرایند تربیت معلم با فرایند استخدام؛ ۲. نادیده انگاشتن جو فرهنگی و جامعه هم‌سالان دانشگاه‌های تربیت معلم؛ ۳. ابهام در ارزیابی و سنجش بهینه داوطلبان ورودی به دانشگاه از میان طیف سنی گسترده؛ ۴. عدم کفایت مطالعه تطبیقی صرف در خصوص سن معلمان؛ ۵. بی‌توجهی به میانگین سنی جمعیت کشور؛ ۶. بی‌تأثیر بودن افزایش سقف سنی بر پذیرش دانشگاه‌های تربیت معلم؛ ۷. غفلت از موضوعات کلیدی و نگاه جامع به بهبود نظام جذب و گزینش معلمان و ۸. پایان ناپذیری مطالبات اجتماعی در خصوص افزایش سن ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم. لذا با توجه به استدلال‌های فوق پیشنهاد می‌شود، شورای عالی انقلاب فرهنگی بر مصوبه کمیسیون معین صحنه نگذاشته و بر همان سقف سنی ۲۴ سال که در «نظام‌نامه سنجش و پذیرش دانشجوی متعهد خدمت به وزارت آموزش و پرورش» مصوب شورا به تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ آمده بود، اصرار ورزد.

موسی بیات (ناظر علمی)؛ اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: حجت‌الله بنیادی (رئیس اسبق مرکز منابع انسانی آموزش و پرورش)؛ ابراهیم سحرخیز (معاون اسبق آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش)؛ اسدالله اسدی گرمارودی (اولین سرپرست دانشگاه فرهنگیان)؛ حمیدرضا طریفی حسینی (معاون سابق آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش)؛ علی خوش‌اقبال (معاون سابق امور جذب، نگهداری و رشد کارکنان دولت سازمان اداری و استخدامی کشور)؛ محمد رضا کاپدانی (مدیر گروه اسبق آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی استان خوزستان)؛ حمیدرضا مشهدی (رئیس دانشگاه فرهنگیان استان قزوین)؛ روح‌الله عابدینی (مدیر گروه آموزش و پرورش اندیشکده ایتان)؛ محمد بنائیان سفید (دبیر اسبق ستاد سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش)؛ سیده فاطمه ابوطالبی (صفحه‌آرا)؛ زهره عطاردی (ویراستار ادبی).



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

مشخصات گزارش



دفتر مطالعات
فرهنگی و آموزش

گروه آموزش و پرورش و
فنی و حرفه‌ای

نوع گزارش:

- ☐ پیش‌نویس قانونی
☐ طرح یا لایحه
☐ نظارتی
☒ راهبردی

شماره مسلسل:

۲۷۰۲۰۹۳۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۶/۹



سن ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم طی سالیان گذشته با برداشتی از مواد (۴۲، ۴۳ و ۷۰) قانون مدیریت خدمات کشوری [۱] از سوی وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شده است. در هیچ کدام از این مواد به صراحت از سن ورود به دانشگاه فرهنگیان و استخدام در آموزش و پرورش صحبت نشده است؛ بلکه ماده (۴۲) حداقل ۲۰ سال و حداکثر ۴۰ سال را برای استخدام تعیین کرده و سپس ماده (۴۳) به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده است در صورتی که در قوانین و مقررات قبلی مورد عمل خود شرایطی علاوه بر شرایط ماده (۴۲) این قانون داشته باشند، آن را ملاک عمل قرار دهند. بدین نحو آموزش و پرورش براساس آنچه در اساسنامه مراکز تربیت معلم (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۶۲/۶/۲) [۲] آمده است، داشتن حداقل ۱۷ و حداکثر ۲۲ سال سن را شرط ورود به مراکز تربیت معلم تعیین کرده بود.

براساس شکایتی در تاریخ ۱۴۰۲/۵/۷، دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۹۹۲۳۵۱ مطابق مواد (۴۲ و ۴۳) قانون مدیریت خدمات کشوری و با استناد به اینکه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی از آغاز تحصیل استخدام می‌شوند و بنابراین باید مقررات عمومی استخدام از جمله حداکثر سن استخدام در مورد آنها رعایت شود، تعیین محدوده سنی برای دانشجویان ورودی دانشگاه فرهنگیان را خلاف قانون دانست و شرط سنی ورود به دانشگاه فرهنگیان را ابطال کرد. در این رأی آمده بود: «براساس بند «الف» ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، حداکثر سن استخدام مشخص شده و مقرر مقرر شده و وجود استناد به ماده مذکور، حداکثر سن استخدام را ۲۴ سال تعیین نموده که مغایر با سن مقرر در بند قانونی فوق بوده و استناد به ماده (۴۳) قانون مدیریت خدمات کشوری نیز نمی‌تواند دلیلی بر تعیین حداکثر سن به میزان ۲۴ سال باشد و حکم ماده مزبور در مقام تعیین شرایطی علاوه بر شرایط مقرر در ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری وضع شده و مغایرتی با شرایط تعیین شده در ماده اخیر الذکر ندارد».

با ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به مسئله طی ماده (۱۶) مصوبه ۸۹۴ با عنوان «نظام‌نامه سنجش و پذیرش دانشجوی متعهد خدمت به وزارت آموزش و پرورش» مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ [۳] حداکثر سن ورود به دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی با درخواست وزارت آموزش و پرورش ۲۴ سال تعیین شد.

با وجود تغییرات مکرری که شرح مختصر آن گذشت، بار دیگر تغییر سقف سنی ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم با درخواست وزارت آموزش و پرورش در کمیسیون معین شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و به تصویب رسید و این سقف به ۳۰ سال افزایش یافت. گزارش حاضر، به بررسی این اقدام و استدلال‌ها و تبعات احتمالی آن اختصاص دارد.

۲. استدلال‌های موافقان افزایش سقف سنی ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم

در متن نامه وزارت آموزش و پرورش به شورای عالی انقلاب فرهنگی دو دلیل مشاهده می‌شود:

۱. بررسی‌های آماری مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و امور اداری بر روی پذیرفته‌شدگان متعهدین خدمت ورودی دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی در سال‌های گذشته و تعداد محدود پذیرفته‌شدگان در بازه سنی ۲۲ تا ۲۴ سال و توانایی وزارت آموزش و پرورش در انجام فرایند سنجش و گزینش و جداسازی بهترین داوطلبان از بین گروه سنی با طیف گسترده؛
۲. شواهد پژوهشی موجود در مطالعه تطبیقی با عنوان «ملاحظات ورود به حرفه معلمی» در مورد عملکرد ورودی‌ها و داوطلبان معلمی با سن بالاتر، ویژگی‌های متمایزکننده داوطلبان معلمی با سن بالاتر، درصد معلمان گروه‌های متفاوت سنی بالاتر از ۳۰ سال در کشورهای مختلف.

واکاوی این دو دلیل نشان می‌دهد که استدلال وزارت آموزش و پرورش بر چهار پایه استوار است: ۱. تعداد پذیرفته‌شدگان در بازه سنی ۲۲ تا ۲۴ سال محدود است که عملاً چشمگیر نیست؛ ۲. امکان سنجش و گزینش و جداسازی بهترین داوطلبان از بین گروه‌های سنی با طیف گسترده‌تر راحت‌تر است؛ ۳. مطالعه نظام آموزشی کشورهای دنیا نشان می‌دهد که عملکرد معلمان با سن بالاتر بهتر و ویژگی‌های متمایزکننده آنها بیشتر است و ۴. در بسیاری از کشورهای دنیا میانگین سن معلمان بالاتر از ۵۰ سال است.



علاوه بر آنچه که در نامه وزارت آموزش و پرورش به چشم می آید، به نظر می رسد برخی از مطالبات اجتماعی نیز بر مسئله اثرگذار بوده است. به عنوان مثال، در ۱۴۰۳/۷/۱۲ کارزاری به راه افتاد که درخواست افزایش سقف سنی ورود به دانشگاه فرهنگیان به ۳۰ سال را دنبال می کرد. در این کارزار استدلال معترضان آن بود که در سال های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ ظرفیت دانشگاه فرهنگیان به ۳۰۰۰ نفر کاهش یافته بود و در نتیجه بسیاری از داوطلبانی که در آن سال ها سن ورود به دانشگاه فرهنگیان را داشتند، به دلیل کمبود ظرفیت موفق به قبولی نشدند و اکنون که ظرفیت افزایش یافته، باید به تناسب بالا رفتن سن آن داوطلبان نیز سقف سنی ورود به دانشگاه های تربیت معلم افزایش یابد. همچنین اشاره شده بود که آموزش و پرورش هم اکنون از طریق آزمون استخدامی افرادی را تا سقف سنی ۴۵ سال به عنوان معلم استخدام می کند. در کارزار مذکور آمده بود: «گذاشتن سقف سنی ۲۴ سال برای ورود به این دانشگاه نه تنها موجب نادیده گرفته شدن توانمندی خیلی از جوانان بالای ۲۴ سال که کمتر از ۳۰ سال هستند، بلکه باعث شده که به اندازه کافی متقاضی مستعد و با استعداد برای ورود به این دانشگاه وجود نداشته باشد. لذا باید جوانان بالای ۲۴ سال تا ۳۰ سال را در دانشگاه فرهنگیان پذیرش کرد تا عدالت آموزشی در حق جوانان برقرار گردد».

۳. ملاحظات در خصوص افزایش سقف سنی ورودی به دانشگاه های تربیت معلم

در گزارش پیش رو، استدلال های مطرحه و مطالعه تطبیقی مورد استناد وزارت آموزش و پرورش به دقت مورد واکاوی قرار گرفته است. به نظر می رسد، توجه به ملاحظات سیاستی ذیل که در ادامه تشریح می شود، بتواند به عنوان عوامل کلیدی در فرایند تصمیم گیری نهاد سیاستگذار به منظور اتخاذ تصمیمی جامع و کارشناسانه مؤثر واقع شود:

۳-۱. یکسان انگاری فرایند تربیت معلم با فرایند استخدام معلم

در حال حاضر براساس قانون مدیریت خدمات کشوری، سقف سنی استخدام در وزارت آموزش و پرورش از طریق آزمون های استخدامی ۴۰ سالگی است که با برخی از امتیازات اعطا شده در مواردی تا ۴۵ سال نیز می رسد. تفاوت سقف سنی استخدام با سقف سنی ورود به دانشگاه فرهنگیان نشان می دهد که سقف ورود به دانشگاه فرهنگیان تنها یک محدودیت سنی بی پشتوانه نیست؛ بلکه کارکردی تربیتی و هویتی دارد. دانشگاه فرهنگیان را تنها نباید به مرجعی برای آموزش مهارت های معلمی و استخدام معلم نگاه کرد. این دانشگاه بیش از آنکه مرجع آموزش باشد، محیطی هویت ساز است. لذا باید دقت داشت؛ دانشجو-معلمی که وارد دانشگاه می شود، در سن شکل گیری هویت قرار داشته باشد که طبیعتاً افراد ۳۰ ساله از این دوره گذر کرده اند و با هویت های شکل یافته وارد دانشگاه می شوند.

۳-۲. نادیده انگاشتن جو فرهنگی و جامعه هم سالان دانشگاه های تربیت معلم

فرایند تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان، فرایندی شبانه روزی و همراه با اسکان دانشجو-معلمان در خوابگاه هاست. حضور فردی ۳۰ ساله در کنار فردی ۱۸ ساله در خوابگاه های دانشجویی می تواند همراه با تبعاتی باشد که برنامه های فرهنگی دانشگاه را تحت تأثیر می گذارد. لذا با توجه به اهمیت و جایگاه صلاحیت های عمومی معلمان و تأثیرپذیری شخصیتی و هویتی دانشجویان برای اکتساب این شایستگی ها در جامعه هم سالان، هر چه محیط دانشجویی از نظر سنی یک دست و در بازه سنی ۱۸ تا ۲۴ سالگی باشد، برنامه های تربیت معلم موفق تر خواهد بود. به خصوص آنکه در سنین بالاتر به دلیل مشغله های اقتصادی و اجتماعی امکان تغییر اهداف افراد از حضور در کسوت معلمی و پذیرش در دانشگاه های تربیت معلم نیز وجود دارد.

۳-۳. ابهام در ارزیابی و سنجش بهینه داوطلبان ورودی به دانشگاه از میان طیف سنی گسترده

یکی دیگر از ادله وزارت آموزش و پرورش توانایی «ارزیابی و گزینش بهینه داوطلبان از طیف سنی گسترده تر» است. این درحالی است که گزینش بهینه داوطلبان الزاماً به افزایش تعداد متقاضیان آزمون باز نمی گردد؛ بلکه بیش از هر چیز به سازوکارهای گزینش مرتبط است و باید در این خصوص کانون های ارزیابی و هسته های گزینش را تقویت و روش های کار را به روزرسانی کرد. از سوی دیگر، اگر نیاز به طیف گسترده تری از داوطلبان هم باشد؛ می توان بیش از ۳ برابر ظرفیت دانشگاه ها افراد را دعوت به



مصاحبه کرد و نیاز به تغییر سقف سنی نیست؛ هر چند که در گذشته سال‌هایی وجود داشته که دانشگاه ترجیح داده است تنها ۱/۵ برابر ظرفیت افراد را به مصاحبه دعوت کند که این شاهد دیگری بر رد ادعای بهینه شدن سنجش با افزایش تعداد متقاضیان است. بنابراین، افزایش سن راهکار بهینه‌سازی سنجش ورودیان به دانشگاه فرهنگیان نیست، بلکه بر پیچیدگی‌های اجرایی موجود می‌افزاید و تبعات دیگری را که بدان اشاره شد به همراه دارد.

۳-۴. عدم کفایت مطالعه تطبیقی صرف در خصوص سن معلمان

استناد به مطالعه تطبیقی صرفاً کمی درباره سن معلمان در کشورهای دیگر، بدون توجه به تفاوت زیرساخت‌های آموزشی، اقتصادی و اجتماعی ممکن است به خطای در تصمیم‌گیری بینجامد. در این مطالعات باید دقت داشت که وضعیت مدارس در ایران همچون تراکم کلاسی، نسبت معلم به دانش‌آموز، تجهیز کلاس‌ها به فناوری‌های آموزشی، سطح رفاه اجتماعی و معیشتی معلمان، اشتغال معلمان به شغل دوم و سوم در اشتغال سنین مختلف به شغل معلمی تفاوت ایجاد می‌کند. به‌عنوان نمونه در جدول ذیل مشاهده می‌شود در دو کشوری که براساس مطالعه تطبیقی وزارت آموزش و پرورش جزء کشورهای با بیشترین تعداد معلم بالای ۵۰ سال در مقطع ابتدایی هستند، تراکم کلاسی در نهایت ۲۲ نفر است؛ در حالی که میانگین تراکم کلاسی مقطع ابتدایی در ایران ۲۸ نفر می‌باشد.

جدول ۱. مقایسه در صد معلمان بالای ۵۰ سال با تراکم کلاس‌های ابتدایی در کشورهای منتخب

کشور منتخب	در صد معلمان ابتدایی بالای ۵۰ سال [۴]	میانگین تراکم کلاسی ابتدایی*
ایتالیا	۵۷	۲۰ تا ۱۴
آلمان	۳۸	۲۲

* مأخذ: یافته‌های نگارنده.

از سوی دیگر، براساس نتایج آزمون تیمز در سال ۲۰۱۹ تفاوت‌هایی در کیفیت تدریس کشورهای یاد شده در جدول ۱ با کشور ایران وجود دارد که هر چند در این آزمون ریشه‌یابی نشده است، اما می‌تواند مرتبط با سن معلمان نیز باشد. نمونه‌ای از این شاخص «تأکید معلمان پایه چهارم ابتدایی بر کاوشگری علمی» است که رتبه ایران در بین کشورهای شرکت‌کننده در این آزمون دوم است، اما ایتالیا و آلمان به ترتیب در رتبه‌های بیست و دوم و چهل و نهم هستند. این وضعیت هر چند دقیقاً ممکن است به شرایط سنی نیز بازنگردد، اما می‌تواند به این موضوع نیز مرتبط باشد؛ لذا جای بحث بیشتر و پرهیز از صرف مقایسه سن در کشورهای مختلف دارد.

جدول ۲. تأکید معلمان پایه چهارم بر کاوشگری علمی در کشورهای منتخب

کشور منتخب	در صد معلمان بالای ۵۰ سال [۴]	تأکید معلمان پایه چهارم بر کاوشگری علمی [۵]		
		حدود نیمی از دروس یا بیشتر	کمتر از نیمی از دروس	رتبه کل
ایتالیا	۵۷	۳۲	۶۷	۲۲
پرتغال	۴۴	۲۹	۷۱	۲۶
آلمان	۳۸	۷	۹۳	۴۹
ایران	—	۷۸	۲۲	۲



علاوه بر مطالب پیش گفته، اقتضائات استخدامی معلمان کشورهای مختلف با کشور ایران نیز متفاوت است. استخدام معلم در برخی از کشورها براساس قراردادهای موقت کاری انجام می‌شود و استخدام رسمی قطعی معلمان دارای محدودیت‌های زیادی است که پس از احراز شرایط سخت صلاحیت‌های حرفه‌ای صورت می‌پذیرد. لذا ورود و خروج از شغل معلمی در سنین مختلف امری رایج و پذیرفته شده است. این در حالی است که در کشور ایران، معلمان در یک فرایند کوتاه به استخدام رسمی قطعی درمی‌آیند که در صورت ورود یک فرد ۳۰ ساله بدون پرداخت حق بیمه در سال‌های قبل (سابقه بیمه) از طریق دانشگاه فرهنگیان و با فرض ۳۵ سال خدمت با مدرک کارشناسی ارشد، حداقل تا ۶۵ سالگی باید به عنوان معلم در آموزش و پرورش خدمت کند که این امر در سال‌های منتهی به بازنشستگی می‌تواند به مشکلاتی در عرصه آموزشی بینجامد.

۵-۳. بی توجهی به میانگین سنی جمعیت کشور

آنچه که در مطالعه تطبیقی مورد اشاره وزارت آموزش و پرورش آمده، سن معلمان دوره ابتدایی در کشورهای مختلف است. بدیهی است که این مسئله با سن ورود به دوره تربیت معلم متفاوت بوده و نمی‌توان با میانگین سنی معلمان سایر کشورها در خصوص سن ورود به دانشگاه تربیت معلم تصمیم‌گیری کرد؛ به خصوص آنکه سیستم جذب، تربیت و نگهداری معلم در بسیاری از آن کشورها با ایران متفاوت بوده و میانگین سنی جامعه نیز در آنها بسیار بالاتر از ایران است. نمونه‌هایی از این موارد در جدول ذیل آمده است:

جدول ۳. مقایسه میانگین سنی جامعه با درصد معلمان ابتدایی کشورهای مختلف به تفکیک سن

کشور	میانگین سنی جامعه*	درصد جمعیت معلمان [۴]			
		بالای ۵۰ سال	۴۰-۴۹ سال	۳۰-۳۹ سال	زیر ۳۰ سال
کره جنوبی	۳۵,۸	۱۵	۳۳	۳۵	۱۷
انگلیس	۴۰	۱۵	۲۴	۳۴	۲۷
آلمان	۴۴,۹	۳۸	۲۸	۲۶	۸
پرتغال	۴۴	۴۶	۴۰	۱۲	۲
ایتالیا	۴۶,۸	۵۷	۳۱	۱۰	۲

* مأخذ: یافته‌های نگارنده.

همان‌طور که مشاهده می‌شود؛ کشورهایی که میانگین سنی پایین‌تری دارند، درصد معلمان جوان‌تر آنها نیز به مراتب بالاتر است. برای مثال، میانگین سنی کشور ایتالیا که بیشترین جمعیت معلم بالای ۵۰ سال را دارد، ۴۷ سال است و در برخی از مناطق جنوبی به ۵۲ می‌رسد و در این شرایط میانگین سنی معلمان بالای ۵۰ سال آن نیز به ۵۷ درصد می‌رسد. این در حالی است که میانگین سنی جامعه ایران ۳۵ سال است و طبیعتاً باید این ظرفیت نیروی جوان در کشور در عرصه معلمی نیز پدیدار باشد.

۶-۳. بی تأثیر بودن افزایش سقف سنی بر پذیرش دانشگاه‌های تربیت معلم

یکی از استدلال‌های مطرح شده موافقان افزایش سن، آن است که این امر به رفع کمبود معلم در بسیاری از مناطق کمک خواهد کرد و از سوی دیگر رقابت بیشتری بین داوطلبان ورود به دانشگاه ایجاد شده، دایره انتخاب بالاتر رفته و افراد توانمند بیشتری برای معلمی انتخاب شوند. این در حالی است که دانشگاه‌های تربیت معلم امروزه با ظرفیت خالی مواجه نیستند که بخواهیم با این قبیل سیاست‌گذاری‌ها متقاضیان آن را افزایش دهیم. در حال حاضر نیز چندین برابر ظرفیت این دانشگاه‌ها متقاضی وجود دارد و برخی از رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ و حتی رتبه‌های تک‌رقمی و زیر ۱۰۰۰ نیز انتخاب نخست آنها دانشگاه فرهنگیان است و برخی از داوطلبان کنکور نیز حاضر هستند پشت کنکور بمانند تا در نهایت در این دانشگاه پذیرفته شوند. لذا افزایش سقف سنی بر پذیرش دانشگاه‌های تربیت معلم بی‌تأثیر است و کمکی به جبران کمبود معلم نخواهد کرد؛ بلکه آنچه باید سیاست اصلی وزارتخانه باشد، متمایل کردن نخبگان و دانش‌آموزان برتر به سمت این دانشگاه با سیاست‌های تشویقی و افزایش بهینگی در انتخاب و جذب معلمان است نه افزایش صرف صف داوطلبان.



۷-۳. غفلت از موضوعات کلیدی و نگاه جامع به بهبود نظام جذب و گزینش معلمان

مشکل اصلی نه در محدودیت سنی، بلکه در تغییرات سلیقه‌ای و مکرر شرایط و ضوابط جذب و صلاحیت‌های به کارگیری و سازوکار سنجش صلاحیت‌های معلمی است. مصوبه ۸۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۷ درباره الزام معلمان به داشتن «گواهی نامه صلاحیت معلمی» پس از گذشت ۵ سال هنوز به تکلیف مانده است. در مصوبات متأخر این شورا مانند مصوبه ۸۹۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ و جلسه ۸۷۹ مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۲ نیز مجدداً این موضوع مورد تصویب قرار گرفته و بر تقویت نظام سنجش و سازوکارهای ارزیابی صلاحیت‌های چندبُعدی معلمان (عمومی، تخصصی و حرفه‌ای) تأکید شده است. از سوی دیگر، مصوبه ۸۸۷ شورا مورخ ۱۴۰۲/۶/۷ در خصوص الزام وزارت آموزش و پرورش به ارائه شرایط و ضوابط عمومی و اختصاصی داوطلبان حرفه معلمی موضوع قانون متعهدین خدمت به آموزش و پرورش و ورود به دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی به منظور تصویب در این شورا نیز کماکان به تکلیف است. در این شرایط پیشنهاد می‌شود تمرکز سیاستگذاری در آموزش و پرورش بر این موضوعات مهم و اساسی قرار گیرد.

۸-۳. پایان ناپذیری مطالبات اجتماعی در خصوص افزایش سن ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم

سن پذیرش در دانشگاه فرهنگیان پیش از این تا سقف ۲۲ سال بود که با مصوبه سال گذشته شورای عالی انقلاب فرهنگی سقف سنی به ۲۴ سال رسید و تا حد ممکن درخواست برخی از گروه‌های اجتماعی برای تقاضای افزایش سن ورود به دانشگاه را کاهش داد و اکنون به نظر می‌رسد هر چه سقف سنی را افزایش دهیم؛ باز هم افرادی خواهان تناسب سقف سنی با سن خودشان خواهند بود. بدین ترتیب اصلاح سقف سنی متوقف نخواهد شد و احتمالاً یک سال یک سال به آن اضافه خواهد شد!

۳. جمع‌بندی

بر اساس مطالب فوق‌الذکر، افزایش سقف سنی ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم حداقل در نگاه نخست کارشناسی شده و دقیق نیست و نمی‌تواند راهگشای مشکلات ورود به دانشگاه‌های مذکور باشد. در پیشنهاد وزاره‌تخانه به ادله و مطالعه‌ای تطبیقی استناد شده که کفاف چنین تصمیم‌گیری را نمی‌دهد و حداقل به ۸ دلیل تصمیمی کارشناسی نشده است:

۱. یکسان‌انگاری فرایند تربیت معلم با فرایند استخدام؛
۲. نادیده انگاشتن جو فرهنگی و جامعه هم‌سالان دانشگاه‌های تربیت معلم؛
۳. ابهام در ارزیابی و سنجش بهینه داوطلبان ورودی به دانشگاه از میان طیف سنی گسترده؛
۴. عدم کفایت مطالعه تطبیقی صرف در خصوص سن معلمان؛
۵. بی‌توجهی به میانگین سنی جمعیت کشور؛
۶. بی‌تأثیر بودن افزایش سقف سنی بر پذیرش دانشگاه‌های تربیت معلم؛
۷. غفلت از موضوعات کلیدی و نگاه جامع به بهبود نظام جذب و گزینش معلمان؛
۸. پایان ناپذیری مطالبات اجتماعی در خصوص افزایش سن ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم.

با توجه به توضیحات ارائه شده و به خصوص با وجود آنکه سقف سنی مجاز برای شرکت در آزمون‌های استخدامی تا ۴۵ سال نیز باز است؛ داوطلبان می‌توانند تا زمان برگزاری آزمون‌های استخدامی موضوع ماده (۲۸) اساسنامه دانشگاه فرهنگیان [۶] از این مسیر وارد حرفه معلمی شوند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه جمعیت ورودی بالاتر از ۲۲ سال به دانشگاه‌های تربیت معلم بنابر مکاتبه وزارت آموزش و پرورش با شورای عالی انقلاب فرهنگی به ۴۰۰ نفر (از ۳۰ هزار نفر ظرفیت) هم نمی‌رسد، پرداختن به این گونه مسائل تنها موجب مشغولیت نهادهای سیاستگذار به امور غیراولویت‌دار خواهد شد.

لذا پیشنهاد می‌شود، شورای عالی انقلاب فرهنگی بر مصوبه کمیسیون معین صحنه نگذاشته و بر همان سقف سنی ۲۴ سال که در «نظام‌نامه سنجش و پذیرش دانشجوی متعهد خدمت به وزارت آموزش و پرورش» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی به تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ آمده بود، اصرار ورزد.



- [۱] قانون مدیریت خدمات کشوری؛ مصوب مجلس شورای اسلامی؛ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۴.
- [۲] اساسنامه مراکز تربیت معلم؛ مصوب شورای عالی آموزش و پرورش؛ ۱۳۶۲/۶/۲.
- [۳] نظام‌نامه سنجش و پذیرش دانشجوی متعهد خدمت به وزارت آموزش و پرورش؛ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲.
- [۴] «ملاک‌های ورود به حرفه معلمی: آیا سن مهم است؟»؛ حکیم‌زاده، رضوان؛ شهریور ۱۴۰۲؛ وزارت آموزش و پرورش.
- [۵] کیفیت آموزش ریاضیات و علوم در آموزش و پرورش ایران و جهان (واکاوی یافته‌های مطالعه تیمز ۲۰۱۹)؛ کبیری، مسعود؛ پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش؛ زمستان ۱۴۰۰.
- [۶] اساسنامه دانشگاه فرهنگیان؛ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶.

گزیده سیاستی

افزایش سقف سنی ورود به دانشگاه‌های تربیت معلم به ۳۰ سال خلاف رویکرد دانشگاه‌های مذکور است و از یکسان‌نگری تربیت و استخدام معلم نشئت می‌گیرد. در گزارش به‌تبعات این تصمیم پرداخته و به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد رد مصوبه کمیسیون معین داده شده است.

